

عنوان مقاله:

بررسی نقش گسست و پیوست در زنجیره گفتمانی غزل های روایی حافظ: رویکرد نشانه-معناشناسی

محل انتشار:

دوماهنامه جستارهای زبانی، دوره 7، شماره 4 (سال: 1395)

تعداد صفحات اصل مقاله: 22

نویسنده:

الهام سیدان - استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

خلاصه مقاله:

با توجه به ابعاد عمیق و پیچیده شعر حافظ، تاکنون تحلیل های متفاوتی در باب ساخت معنایی غزلیات او مطرح شده است. با بررسی ساختاری غزل -روایت های حافظ روشن می شود که ابیات مختلف یک غزل گسسته و جدا از هم نیستند؛ بلکه در یک زنجیره پیوستاری و پویا نمود می یابند. انسجام معنایی این دسته از غزلیات و ساخت روایی آنها زمینه را برای تحلیل نشانه-معناشناسانه آنها فراهم می کند. برای شناخت بهتر مناسبات درونی غزل - روایت ها و تبیین گسست ها و پیوست های درونی آنها، توجه به ساختار روایت ضروری به نظر می رسد. گفتمان شناختی پرکاربردترین نوع گفتمان در این دسته از غزلیات است. تحقق بعد شناختی در غزل های روایی حافظ با بسط گفتمانی همراه است. حضور شخصیت هایی همچون پیر مغان، رند، ساقی، مغچه و ... زمینه ایجاد گسست های عاملی را فراهم میکند. انفصالیات زمانی (با کاربرد فعل گذشته یا قیودی مانند دوش، نیم شب و ...) و مکانی (مسجد، صومعه، میخانه، خرابات و ...) نیز در این دسته از غزلیات، فرآیند معناسازی را پیش می برند. البته در بسیاری از موارد، گسست های شناخت محور با گونه احساسی همراه می شوند. در این دسته از غزلیات، حضور جسمانی معشوق جریانی حسی ادراکی را به دنبال دارد که شوشگر را با جریانی از احساسات مواجه میکند و با این وصف، تعامل پایداری بین گونه های شناختی و عاطفی در غزل برقرار می شود. با درنظر گرفتن زیرساخت ابیات و گذشت از گسست های شناخت محور، روایت درنهایت به یک صورت پیوستاری می رسد و این گسست ها خللی در انسجام معنایی شعر ایجاد نمی کنند.

کلمات کلیدی:

حافظ، پیوست، غزل روایی، گسست، گفتمان شناختی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/803329>

